

Analysis of Stressful Local-regional Competitions Among Political-administrative Territories and Proposing Tension Management Policies (Case Study: Iran)

Hasan Jafarzadeh* and Zahra Ahmadipour**

Research Article	Receive Date: 2023.09.12	Accept Date: 2024.03.02	Online Publication Date: 2024.03.02	Page: 71-100
------------------	-----------------------------	----------------------------	--	--------------

The rise in stressful regional-local competitions among political-administrative territories in recent decades has led to significant challenges in the political management of these units and increased security threats at their level. The political organization and management of space through territorial divisions play a significant role in reducing or escalating these tensions. This study, using a descriptive-analytical method and relying on library sources, examines the foundations and components of stressful competitions among political-administrative territories. The findings indicate that most of these competitions aim to achieve dominance and access to power and wealth, including elevating political status, securing more resources and funds, obtaining parliamentary seats, exploiting more geographical-biological resources, and implementing developmental projects. Conflicting interests in these areas lead to tensions and potential conflicts. Considering the negative impacts of such trends on regional development and sustainable security, the study proposes a model for managing stressful competitions through a systematic relationship of factors and components that reduce tension and conflict. Implementing this model could lead to positive outcomes, such as fostering shared interests and mutual cooperation, expanding cultural exchanges, promoting endogenous development based on regional capacities, equitable allocation of resources and facilities, stabilizing territorial division boundaries, and reducing disputes over shared resource utilization. This process would enhance shared interests, promote convergence, and reduce or resolve tensions and conflicts among political-administrative territories.

Keywords: Local-regional Competitions; Territorial Divisions; Geographical Resources; Tension and Conflict; Tension Management

* PhD in Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author); Email: jafarzadeh.hassan@yahoo.com

** Professor of Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; Email: ahmadyz@modares.ac.ir

Majlis and Rahbord, Volume 32, No. 122, Summer 2025

How to cite this article: Jafarzadeh, H. and Z. Ahmadipour (2025). "Analysis of Stressful Local-regional Competitions Among Political-administrative Territories and Proposing Tension Management Policies (Case Study: Iran)", *Majlis and Rahbord*, 32(122), p. 71-100.

doi:10.22034/mr.2024.16089.5640

بررسی و تحلیل ابعاد تنش آمیز رقابت‌های محلی-ناحیه‌ای میان قلمروهای سیاسی-اداری تقسیمات کشوری و ارائه سیاستگذاری‌های مدیریت تنش (مطالعه موردی: ایران)

حسن جعفرزاده* و زهرا احمدی‌پور**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲	تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲	شماره صفحه: ۷۱-۱۰۰
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------------	--------------------

گسترش رقابت‌های تنش آمیز ناحیه‌ای-محلی میان قلمروهای سیاسی-اداری در چند دهه اخیر سبب بروز چالش‌های جدی در مدیریت سیاسی واحدهای سیاسی-اداری و گسترش تهدیدهای امنیتی در سطح آنها شده است. چگونگی مدیریت و سازمان‌دهی سیاسی فضا در قالب تقسیمات کشوری نقش مهمی در کاهش یا افزایش این تنش‌ها ایفا می‌کند که در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به این مسئله پرداخته شد که رقابت‌های تنش آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری مبتنی بر چه بنیادها و مؤلفه‌هایی است. نتایج تحقیق نشان داد عمده این رقابت‌ها به منظور تسلط و دستیابی به موقعیت‌های قدرت و ثروت از جمله ارتقای سطح سیاسی، دریافت منابع و اعتبارات بیشتر، تصاحب کرسی‌های نمایندگی، بهره‌برداری بیشتر از منابع جغرافیایی-زیستی و طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای بوده و بروز منافع متعارض در این زمینه به تنش‌ها و منازعات احتمالی منجر می‌شود. با توجه به تأثیرات منفی چنین روندی بر توسعه و امنیت پایدار نواحی، در ادامه تحقیق الگوی مدیریت رقابت‌های تنش آمیز در قالب ارتباط سیستماتیک عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در کاهش تنش و منازعه ترسیم شد که در صورت تحقق و اجرای آن باعث شکل‌گیری پیامدهای مثبتی مانند گسترش منافع مشترک و همکاری‌های متقابل، گسترش مراودات فرهنگی، توسعه درون‌زا و مبتنی بر ظرفیت‌های تخصصی نواحی، تخصیص عادلانه منابع و امکانات، پایداری مرزهای تقسیمات کشوری، کاهش اختلاف‌ها در بهره‌برداری از منابع مشترک و ... خواهد شد. چنین فرایندی سبب گسترش منافع مشترک، توسعه همگرایی‌ها و کاهش یا رفع تنش‌ها و منازعات میان قلمروهای سیاسی-اداری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رقابت‌های محلی-ناحیه‌ای؛ تقسیمات کشوری؛ منابع جغرافیایی؛ تنش و منازعه؛ مدیریت تنش

* دکترای جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: jafarzadeh.hassan@yahoo.com

** استاد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛

Email: ahmadyz@modares.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۴

روش استناد به این مقاله: جعفرزاده، حسن و زهرا احمدی‌پور (۱۴۰۴). «بررسی و تحلیل ابعاد تنش آمیز رقابت‌های محلی-ناحیه‌ای میان قلمروهای سیاسی-اداری تقسیمات کشوری و ارائه سیاستگذاری‌های مدیریت تنش (مطالعه موردی: ایران)». فصلنامه مجلس و راهبرد، ۳۲(۱۲۲)، ص ۷۱-۱۰۰.

doi: 10.22034/mr.2024.16089.5640

مقدمه

در چند دهه اخیر به دلیل عوامل مختلفی مانند رشد جمعیت و روند روبه‌رشد نیازهای جوامع بشری به منابع جغرافیایی و بنیادهای زیستی از جمله آب، زمین، منابع معدنی و ...، افزایش تعداد بازیگران محلی و تغییرات در نظام حکومتی و نظام مدیریت سیاسی کشورها، رقابت‌های ناحیه‌ای-محلی میان واحدهای سیاسی-اداری و بازیگران فعال در سطح آنها تشدید شده که در بسیاری از موارد به دلیل شکل‌گیری منافع متعارض میان واحدها به وقوع تنش و منازعه منجر شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تشدید یا کاهش رقابت‌های تنش‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری، چگونگی فرایند مدیریت و سازمان‌دهی سیاسی فضا در قالب تقسیمات کشوری است. شیوه این سازمان‌دهی در قالب تقسیمات کشوری می‌تواند شکاف‌ها و تفاوت‌ها را به‌سوی هم‌زیستی، همگرایی و همکاری متقابل سوق دهد یا برعکس زمینه واگرایی و افزایش رقابت‌های تنش‌آمیز میان واحدهای تقسیماتی را در سطوح ناحیه‌ای و محلی فراهم سازد. در صورتی که تقسیمات سیاسی-اداری هر کشور بدون توجه به واقعیت‌های جغرافیایی و اصول برنامه‌ریزی انجام شود، فرایند سازمان‌دهی سیاسی فضا با دامن زدن به تفاوت‌های جغرافیایی و عمیق‌تر ساختن شکاف‌های موجود میان گروه‌های مختلف در قلمروهای سیاسی-اداری، دامنه منافع متعارض میان ساکنان مناطق را گسترش داده و زمینه شکل‌گیری رقابت‌های تنش‌آمیز را فراهم می‌سازد. چنین شرایطی از شکل‌گیری نظام تقسیماتی بهینه مبتنی بر همگرایی واحدهای سیاسی-اداری و پیشبرد اهداف و برنامه‌های توسعه جلوگیری کرده و تهدیدهای امنیتی را در سطح واحدها افزایش می‌دهد.

در ایران با وجود سابقه و تجربه طولانی در امر سازمان‌دهی سیاسی فضا، طبق تحقیقات صورت گرفته در حال حاضر نظام تقسیمات کشوری دچار چالش‌های مختلفی از جمله شکل‌گیری انگاره تبعیض و در نتیجه تشدید واگرایی‌ها (رشدی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ عدم انطباق مرزهای سیاسی-اداری بر قلمروهای خرده‌فرهنگی و بی‌تعادلی و شکاف بین مناطق مرکزی و حاشیه‌ای (احمدی‌پور و رهنما، ۱۳۹۰: ۳۷)؛

ضعف توجه به الزامات محلی و ناکارآمدی تقسیمات کشوری در سطح محلی (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ ناهمگن بودن حوزه‌های تقسیماتی و به تبع آن عدم انطباق با الزامات منطقه‌ای (احمدی‌پور و جعفرزاده، ۱۳۹۳)؛ وجود آسیب‌های متعدد در نظام تقسیمات کشوری برای تحقق امنیت پایدار (کاظمی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰)، تفرق سیاسی و عملکردی و ضعف سازوکار و هماهنگی و همکاری بین مدیران و مسئولان در نظام تقسیمات کشوری (برک‌پور و مسعودی، ۱۳۹۸)؛ عدم وحدت ساختاری، کارکردی و همگنی جغرافیایی و مشخص نبود مدیریت در واحدهای سیاسی به‌طور دقیق (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲)؛ شکل‌گیری حفره‌های دولت، بی‌توجهی به مشارکت مردم در نظام مدیریتی تقسیمات کشوری (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰) و دخالت عوامل غیررسمی مستتر در قدرت برای تغییر مرزهای تقسیمات کشوری (احمدی‌پور و میرشکاران، ۱۳۸۶) است. چنین شرایطی سبب تشدید منافع متعارض، گسترش واگرایی‌ها و در نتیجه رشد تنش‌ها و منازعات رقابت‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری طی دهه‌های اخیر شده است؛ به‌طوری‌که در حال حاضر رقابت‌های تنش‌آمیز مختلفی در کشور با سطوح و ابعاد مختلف میان قلمروهای تقسیمات کشوری پدید آمده است. به‌نظر می‌رسد با ادامه روند فعلی، کاهش منابع زیستی از یک‌سو و روند تغییرات مکرر تقسیمات سیاسی-اداری در ایران، گسترش رقابت‌های تنش‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری برای دستیابی به منابع و موقعیت‌های قدرت و ثروت در سطح نواحی اجتناب‌ناپذیر بوده و این امر پیامدها و تأثیرات گسترده‌ای را در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ... در سطوح محلی، ناحیه‌ای و حتی ملی برجای خواهد گذاشت. از این‌رو هرگونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی به‌منظور حل و فصل چنین چالش‌هایی ابتدا به شناخت و دسته‌بندی عوامل و منابع رقابت‌های تنش‌آمیز در سطح واحدهای تقسیماتی و سپس به کارگیری راهبردها، الگوها و برنامه‌هایی جامع برای کاهش تأثیر یا حذف آنها نیاز است. از این‌رو در این تحقیق ابتدا مؤلفه‌های رقابت‌های تنش‌آمیز استخراج و دسته‌بندی شده و سپس راهبردهای پیشنهادی برای مدیریت آنها ارائه می‌شود.

۱. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از حیث هدف کاربردی است و نتایج حاصل از آن می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان و مسئولان تصمیم‌گیرنده قرار گیرد و از لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی است که به دنبال شناسایی عوامل و منابع رقابت‌های تنش‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری تقسیمات کشوری است. از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات، تکیه اصلی بر منابع کتابخانه‌ای دارد. در یافته‌های کتابخانه‌ای حوزه قلمرو تحقیق، تنش‌ها و منازعات میان قلمروهای سیاسی-اداری براساس منابعی مانند اسناد رسمی، پایگاه‌های خبری، خبرگزاری‌ها و پرتال‌های سازمان‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی و پژوهش‌های انجام شده پیشین مرتبط با قلمرو تحقیق، استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقات پیشین درباره موضوع رقابت‌های تنش‌آمیز میان بازیگران، عمدتاً در سطح منطقه‌ای و جهانی در چارچوب مفهوم «ژئوپلیتیک و رقابت قدرت‌ها» بوده و می‌توان گفت با توجه به اینکه در این پژوهش منابع و مؤلفه‌های ایجاد تنش و منازعه مبتنی بر رقابت‌های محلی-ناحیه‌ای میان واحدهای سیاسی-اداری را درون کشوری بررسی می‌کند، دارای نوآوری است.

۲. مباحث نظری

۲-۱. رقابت‌های محلی و ابعاد تنش‌آمیز آن

رقابت^۱ به مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف کسب برتری و تسلط در زمینه خاص بین بازیگران انجام می‌شود. فرایند رقابت میان بازیگران براساس منافع متعارض ایجاد می‌شود تا از این طریق حریف را از دستیابی به فرصت‌ها و منابع باز دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۰). در رقابت، دو یا چند بازیگر به‌طور هم‌زمان اقدام‌هایی انجام می‌دهند تا سهم بیشتری از ارزش‌های جغرافیایی (مادی و معنوی) کسب کنند. رقابت در صورت استمرار و کسب احاطه بر ارزش‌های رقیب ممکن است به منازعه

1. Competition

تبدیل شود. رقابت نقطه مقابل همکاری است و هنگامی رخ می‌دهد که دو یا چند گروه به دنبال هدفی هستند که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند در آن با یکدیگر شریک باشند، در نتیجه برای رسیدن به آن با یکدیگر رقابت می‌کنند (احمدی و عظیمی، ۱۳۹۷: ۲۰۳). رقابت‌های مکانی در مناطق جغرافیایی مختلف و دوره‌های زمانی متفاوت، به اشکال گوناگون بروز می‌کند. نقش‌آفرینی عناصر و ساخت‌های مکانی-فضایی در راستای تأمین نیازهای انسانی باعث انگیزه تصاحب و دسترسی به آنها برای تأمین نیازها و خواسته‌ها ایجاد می‌کند. این فرایند موجب اقدام‌ها و رفتارهای رقابتی یا همکاری در میان بازیگران می‌شود و نوعی هم‌وردی ژئوپلیتیکی را در مقیاس‌های کوچک‌تر به وجود می‌آورد (احمدی‌پور و رهنما، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

از این‌رو رقابت‌های ژئوپلیتیکی منحصر به مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی نمی‌شود، بلکه طی دهه‌های اخیر رقابت‌های درون کشوری میان نواحی و شهرهای مختلف گسترش یافته است (Flint, 2006: 33). از این منظر ژئوپلیتیک محلی رویکردی است که به بررسی رقابت قدرت‌ها و بازیگران در قلمروهای نسبتاً کوچک محلی می‌پردازد. در واقع رقابت بر سر تصاحب فضا و بهره‌برداری از آن میان بازیگران مختلف محلی که منافع متعارض دارند نیز مظهری از رقابت‌های ژئوپلیتیکی در فضا هرچند در مقیاس کوچک به‌شمار می‌رود (Subra, 2012: 55-57). بنابراین رقابت‌های محلی فرایندی است که بازیگران محلی تلاش می‌کنند تا در میان سایر بازیگران حداکثر منافع را برای قلمرو تحت سکونت خود کسب کنند (Yi and Li, 2022: 2-3). از این‌رو جوامع محلی نزدیک به یکدیگر، همواره در رقابتی مبتنی بر دستیابی منافع خود به سر می‌برند. چنانچه این جوامع در نظم سیاسی و سیستم مدیریتی مشترکی قرار گیرند، رقابت‌های آنها تا حد زیادی از شکل منفی و تنش‌آمیز به صورت رقابت‌های مثبت و سازنده تبدیل می‌شود (Schellenberg and Irish, 2014: 59). چگونگی سازمان‌دهی نواحی مختلف کشور و مدیریت سیاسی آنها نقش مهمی در توسعه منافع مشترک گروه‌های محلی یا توسعه منافع متضاد میان آنها ایفا می‌کند.

رقابت‌های محلی در قالب دستیابی و تسلط بر موقعیت‌های سیاسی قدرت و ثروت

و همچنین تصاحب و بهره‌برداری از منابع جغرافیایی و زیستی از عوامل مهم تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی-اداری است (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱). مؤلفه‌های تنش آمیز این رقابت‌ها را می‌توان در قالب موارد زیر بررسی کرد:

۱-۲. رقابت به‌منظور ارتقای سطح سیاسی

رقابت‌های ناحیه‌ای و محلی در کشورهایی که واحدهای تقسیماتی آن متناسب با سلسله‌مراتب اداری-سیاسی، امکانات و تسهیلات دریافت می‌کنند، زمینه‌ساز رشد تقاضای ارتقای واحدهای سیاسی می‌شود و درخواست‌ها برای ارتقای سطح سیاسی به رویه‌ای فراگیر و گسترده میان واحدها منجر می‌شود. درواقع واحدهای کوچک‌تر سیاسی به این نتیجه می‌رسند که با ارتقای سطح سیاسی، خدمات و تسهیلات بیشتری را دولت مرکزی به آنها اختصاص خواهد داد. درنهایت این خواسته‌ها خود زمینه‌پیدایش قانون‌های جدید رقابت، ناامنی و تنش در سطوح ناحیه‌ای و محلی می‌شود (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۹). از مهم‌ترین دلایل رقابت میان واحدها به‌منظور ارتقای سطح سیاسی، منابع مالی ناکافی دولت‌های محلی است. زمانی که تخصیص منابع مالی براساس جایگاه سیاسی مراکز و واحدهای تقسیماتی باشد، رقابت در سطح واحدها و سکونتگاه‌ها به‌منظور طی فرایند ارتقای سطح به‌شدت گسترش می‌یابد. در نظام حکومتی متمرکز، دولت‌های محلی برای انجام پروژه‌های خود به تخصیص منابع از دولت مرکزی نیاز دارند. هرچه کمبود منابع نسبت به نیازها و خواسته‌های مردم محلی کمتر باشد، زمینه بروز رقابت‌ها، تنش‌ها و منازعات افزایش می‌یابد (Tanle, 2016: 36). علاوه بر موارد یادشده رقابت میان شهرها و مراکز سکونتگاهی برای کسب مرکزیت سیاسی به بروز اختلاف‌های ناحیه‌ای و محلی گسترده میان حوزه‌های رقیب منجر می‌شود که مدعی شرایط مناسب‌تر برای ایفای نقش مرکزیت است. شهرهایی که در مجاورت یکدیگر قرار داشته و از وزن ژئوپلیتیکی برابری برخوردار باشند، بیشتر مستعد رقابت و تنش هستند؛ به‌طوری‌که هیچ‌کدام از آنها حاضر نیستند تحت تابعیت واحدهای دیگر قرار گیرند. چنانچه تصمیمی بر ایجاد واحد سیاسی جدیدی متشکل از

چند واحد سیاسی هم‌جوار گرفته شود، میان شهرهای شاخص بر سر مرکزیت، تقابلی پایدار شکل می‌گیرد. حتی در صورت ایجاد واحد جدید، مراکز رقیب موقعیت تابع خود را نخواهند پذیرفت و درصدد خواهند بود تا با ایجاد واحدی جدید، از موقعیت تابع خارج شوند.

در سطوح پایین‌تر، تقسیمات کشوری به دلیل افزایش تعصب و حس مکانی، رقابت‌هایی برای ارتقای سطح سیاسی بیشتر دیده می‌شود. علت اصلی این‌گونه رقابت‌ها میان واحدهای تقسیمات کشوری این است که بودجه، امکانات و تسهیلات بیشتری در اختیار واحدهای ارتقایافته قرار می‌گیرد. این امر سبب تشدید اختلاف‌ها و منازعه‌های محلی میان واحدها و در نتیجه الحاق و انتزاع واحدهای سرزمینی به منظور دستیابی به ملاک‌های لازم برای دریافت مجوز ارتقا می‌شود (احمدی‌پور و رهنما، ۱۳۹۰: ۴۷). در صورت تحقق این امر و با تشکیل واحدهای جدید سیاسی-اداری در سطح سرزمین، نهادهای سیاسی جدیدی ظاهر می‌شود که به دنبال ارتقای موقعیت این واحدها است. فرایند فوق موجب تضاد منافع میان گروه‌ها، نخبگان و دیگر دولت‌های محلی می‌شود و در نتیجه زمینه درگیری‌ها را فراهم می‌سازد (Suraji and Embi, 2018: 243).

۲-۱-۲. رقابت به منظور تصاحب کرسی‌های نمایندگی

از منظر جغرافیای انتخابات ساکنان قلمروهای سیاسی-اداری (روستا، شهر، شهرستان و استان) براساس تعلق خاطر داوطلب به واحد زادگاهش سعی در پیروزی کاندیدای بومی خود در انتخابات محلی دارد (کاویانی راد، ۱۳۸۶: ۳۶). داده‌های آماری نیز نشان می‌دهد نامزدهای انتخاباتی در جایی که زندگی می‌کنند، بیشترین رأی را کسب می‌کنند (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۶). در این صورت ساکنان هر واحد سیاسی-اداری براساس حس و تعلقات مکانی به سرزمین سیاسی خود، داوطلب ساکن در محدوده خود را اولویت قرار داده و برای پیروز شدن وی تلاش‌ها و رایزنی‌های مختلفی در سطح ناحیه انجام می‌دهد. از این‌رو در حوزه‌های انتخابیه میان قلمروهای سیاسی-اداری تقابلی پنهان یا آشکار شکل می‌گیرد که هریک در پی پیروزی داوطلب

بومی خود هستند. رقابت‌های انتخاباتی در صورتی که با تفاوت‌های قومی و فرهنگی واحدهای رقیب همراه باشد، می‌تواند به منازعات گسترده تبدیل و امنیت نواحی را با چالش مواجه سازد (مولایی و احمدی، ۱۴۰۰: ۱۰).

۳-۱-۲. رقابت در راستای ارتقا در سلسله‌مراتب شهری

گسترش نقش‌آفرینی شهرها در شبکه قدرت داخلی کشورها باعث ایجاد مفهوم جدیدی با نام «ژئوپلیتیک شهری» شده است (جان‌پرور و قربانی سپهر، ۱۴۰۰: ۱۷۶). از منظر ژئوپلیتیک شهری^۱ ارتقای یک شهر در سیستم تقسیمات سیاسی فضا، رقابت‌ها و تنش‌های بین‌شهری و درون‌شهری را می‌تواند شدت بخشد. درواقع عملکرد و نقش شهرها در شبکه شهری، تابع سیستم مدیریت سیاسی فضای هر کشور است. تغییراتی که در سلسله‌مراتب سیاسی هر شهر صورت می‌گیرد بر کارکردهای آن و در نتیجه بر جایگاه شهر در سیستم سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها تأثیر بسزایی دارد (Wilk, 2004: 1). با ارتقای سیاسی هر شهر در سیستم سلسله‌مراتبی، نقش‌ها و قدرت اداری-خدماتی گسترده‌تری به آن شهر اعطا می‌شود که این امر در ایفای نقش‌های گسترده‌تر و جدیدتر آن شهر تأثیر می‌گذارد. همچنین رشد جهش‌گونه حجم و وزن کانون‌های شهری در نتیجه ارتقای سیاسی و به تبع آن افزایش مهاجرت‌های روستایی، فضاهای شهری را به عرصه رقابت میان بازیگران مختلف تبدیل می‌کند. در این راستا تغییرات تقسیمات کشوری علاوه بر تغییرات موقعیت شهرها در سیستم سلسله‌مراتب شهری، بر ازهم‌گسیختگی شبکه شهری و ایجاد پدیده نخست شهری نقش اساسی دارد که باعث روابط مرکز-پیرامون در سطح نواحی می‌شود. با ارتقای جایگاه شهر در نظام سلسله‌مراتبی تقسیمات کشوری، به دلیل تمرکز یافتن شدید سرمایه‌ها، شکل‌گیری امکانات اشتغال و رفاهی، توسعه خدمات و صنایع و ... شکاف میان مراکز سیاسی-اداری با سایر سکونتگاه‌ها افزایش می‌یابد؛ به طوری که به قطب جاذب جمعیت تبدیل و موجب افزایش مهاجرت‌ها به آن می‌شود. این افزایش جمعیت، اولاً به دلیل تغییر نیازهای

1. Urban Geopolitics

جمعیتی شهر و ضرورت تأمین مسکن، خدمات و اشتغال مهاجران، موجب رشد کالبدی آن شده؛ ثانیاً، اسکان مهاجران کم‌درآمد در پیرامون شهر و ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی، رشد پراکنده خارج از محدوده قانونی را شکل می‌دهد (عزیزی و یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). چنین روندی از یک سو تنش‌ها و درگیری‌ها را در سطوح ناحیه‌ای میان مراکز و نواحی پیرامونی شدت می‌بخشد و از سوی دیگر می‌تواند باعث شکل‌گیری و تشدید نزاع‌ها میان گروه‌های مختلف شهری شود.

۴-۱-۲. رقابت در بهره‌برداری از منابع زیستی و جغرافیایی

رقابت‌های منازعه‌آمیز پیرامون منابع زیست‌محیطی در چارچوب مناسبات دولت‌ها و بین کشورها محدود نمی‌شود، بلکه در کشورها و بین گروه‌های قومی یا محلی نیز برای دستیابی و تسلط بر منابع کمیاب یا بنیادهای زیستی مانند آب، خاک، مراتع، اراضی جنگلی و سایر منابع، رقابت، کشمکش و ستیز وجود دارد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۹۱). در این میان کمبود آب یعنی مهم‌ترین عنصر و منبع زیست‌طبیعی، از مهم‌ترین عوامل ایجاد منازعات زیست‌محیطی است (گل‌کرمی و کاویانی راد، ۱۳۹۴: ۱۱۴). به دلیل کاهش منابع آب شیرین و افزایش جمعیت، سرانه آب شیرین پیوسته در حال کاهش بوده و به موازات آن کم‌آبی در حال توسعه است. چنین روندی سبب شده تا بازیگران سیاسی و سکونتگاه‌ها بر سر تصرف و بهره‌برداری آب‌های موجود به شدت رقابت کنند و این امر زمینه بروز تنش‌ها، منازعات و بحران را فراهم می‌سازد (حافظنیا و نیکبخت، ۱۳۸۱: ۴۸). توزیع ناهمگونی مکانی و زمانی بارش، کمبود ریزش‌های جوی، عدم تناسب میان عرضه و تقاضای آب در برخی نواحی کشوری، کاهش تدریجی منابع آب به‌ویژه در اثر برداشت بی‌رویه آب‌های سطحی و زیرزمینی و تغییرات آب و هوایی در کنار رشد بالای جمعیت و انتقال آب از نواحی دارای توان هیدرولوژیکی نسبتاً خوب به سایر مکان‌های دارای کمبود سبب می‌شود که رقابت‌های شدید و منفی بر سر تصاحب منابع آب صورت گیرد. این امر در نهایت زمینه تنش و منازعه میان گروه‌ها، مراکز جمعیتی و فضاها سکونتگاهی را با یکدیگر فراهم می‌کند (ذکی و رشیدی،

۱۳۹۵: ۴۳).

در میان واحدهای سیاسی - اداری تقسیمات کشوری نیز رقابت، اختلاف و کشمکش میان منابع آبی از قبیل رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، سدها، آب‌های زیرزمینی مانند قنات، چاه و آبخوان‌های مشترک به‌ویژه در نواحی مرزی این واحدها وجود دارد. از آنجاکه رژیم قانونی واحدی در مورد استفاده از منابع مشترک مرزی در کشورها وجود ندارد و در اغلب کشورها، به‌خصوص در سیستم‌های مدیریتی متمرکز، دولت‌ها چگونگی بهره‌برداری از این منابع را میان واحدهای سیاسی-اداری تعیین می‌کنند، از این‌رو نمایندگان واحدهای سیاسی-اداری سعی دارند تا با بهره‌گیری از عناصر و بازیگران جغرافیای قدرت و حمایت، سهم بیشتری از این منابع را در راستای منافع حوزه خود تصاحب کنند.

مناقشات آبی صرفاً در قالب منابع آبی مشترک باعث تنش و منازعه میان واحدهای اداری-سیاسی هم‌جوار نمی‌شود، بلکه یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تنش و منازعه آبی به‌خصوص در کشورهای با طبیعت خشک و نیمه‌خشک پروژه‌های انتقال آب است. انتقال آب بین حوضه‌ای سبب مناقشات گسترده‌ای میان واحدهای سیاسی-اداری می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که انتقال آب بین حوضه‌ای بر مرزهای قومی و فرهنگی منطبق باشد، واکنش‌های گسترده‌ای را در حوضه‌های بالادست در پی دارد (همان: ۵۲).

سیاست انتقال آب بین حوضه‌ای که بر جغرافیای فرهنگی خاص نواحی مبدأ و مقصد منطبق است، سبب شکاف میان گروه‌های قومی و هویتی شده که می‌تواند زمینه‌ساز بحران در سطح نواحی شود. همچنین میان واحدهای سیاسی-اداری دریافت‌کننده آب نیز طی زمان رقابت‌ها به‌مرور افزایش می‌یابد و تلاش برای سهم بیشتری از دریافت آب زمینه اختلاف‌ها، تنش‌ها و منازعه‌ها را فراهم می‌کند. در این صورت واحدهایی که در بالادست قرار دارد، در جهت جلوگیری از انتقال آب به واحدهای پایین‌دست، به بازدارنده‌ای مانند تخریب تأسیسات انتقال آب اقدام می‌کند. به‌طور کلی از مهم‌ترین پیامدهای هیدروپلیتیکی طرح‌های انتقال آب در میان حوضه‌های آبریز و پیامدهای سیاسی-اجتماعی منفی آن می‌توان به تشدید منازعه‌ها و واگرایی‌های

محلی و ناحیه‌ای، به مخاطره افتادن امنیت محلی و ناحیه‌ای، کنشگری سیاسی مردم و مسئولان در قالب برگزاری تجمعات، اعتراض‌ها، تنوع قومیتی و حساسیت‌های سیاسی و ناحیه‌ای ناشی از آن در حوضه مبدأ، بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی از طرح‌های مذکور و پیامدهای اجتماعی نظیر افزایش نارضایتی ساکنان نواحی، مهاجرت‌های اجباری، بروز درگیری‌های خرد محلی بر سر آب، افزایش سوءظن نواحی حاشیه‌ای نسبت به تبعیض‌های احتمالی دولت مرکزی، بروز اختلاف‌ها و منازعه‌ها میان واحدهای دریافت‌کننده آب و تشدید اختلاف‌ها در حوضه مقصد اشاره کرد (همان: ۵۸).

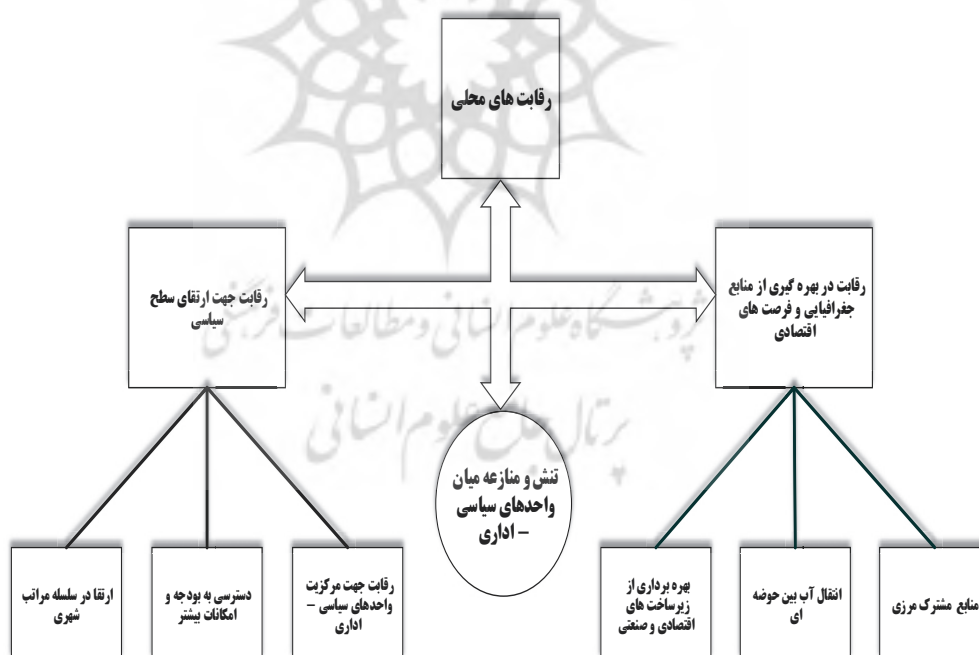
علاوه بر آب، رقابت برای دستیابی به زمین و اراضی قابل کشت نیز در سطح نواحی در حال گسترش است. کشورها به دلیل داشتن زمین قابل کشت محدود، با امنیتی شدن مواد غذایی خود مواجه‌اند. کمبود زمین با ایجاد بحران در تولید، عرضه و قیمت مواد غذایی باعث افزایش رقابت برای منابع آب و زمین برای کشاورزی شده است. بنابراین رقابت برای دسترسی به زمین در حال تشدید شدن است. از دیگر سو توسعه شهرنشینی و رشد جمعیت نیز، سهم مهمی از زمین‌ها را برای توسعه مسکن، صنعت و زیرساخت‌ها به خود اختصاص داده است؛ طوری که بسیاری از شهرهای پرجمعیت جهان روی زمین‌های حاصلخیز واقع شده‌اند و با این کار مزارع و خاک‌های حاصلخیز در نتیجه پیاپیاده‌روها، آسفالت‌ها و محل‌های دفن زباله، آلوده شده‌اند (FAO, 2011: 28). همین امر سبب شده تا در سطح واحدهای تقسیماتی درون کشوری نیز رقابت برای تصاحب زمین‌ها به خصوص زمین‌های کشاورزی گسترش یابد.

۵-۱-۲. رقابت به منظور بهره‌مندی از پروژه‌های توسعه

رقابت‌های محلی واحدهای سیاسی-اداری در قالب منابع زیستی و طبیعی محدود نمی‌شود، بلکه برای برخورداری از پروژه‌های توسعه، طرح‌های عمرانی و زیرساخت‌های اقتصادی نیز رقابت‌های مختلفی وجود دارد. اساساً بین پروژه‌های توسعه و منازعه ارتباط محکمی وجود دارد؛ زیرا توسعه تصمیم سیاسی است که در برخی موارد به فرایند مورد مناقشه منجر می‌شود (Tanle, 2016: 20). در این راستا تلاش برای در اختیار گرفتن

امتیاز ایجاد و بهره‌برداری از پروژه‌های توسعه، طرح‌های عمرانی، واحدهای صنعتی و اقتصادی، تأسیس واحدهای معدنی و پالایشگاه‌های انرژی، بهره‌گیری از زیرساخت‌های ارتباطی و ترانزیتی، واحدهای تولیدی مرتبط با کارکرد نواحی و ... از جمله مواردی است که قلمروهای سیاسی-اداری سعی می‌کنند تا آنها را در سطح نواحی خود ایجاد کنند. در صورتی که به دلیل محدودیت‌های طبیعی یا برنامه‌ریزی، واحدهای صنعتی و اقتصادی محدودی در سطح نواحی باشد، رقابت میان نواحی سیاسی-اداری برای بهره‌مندی از این مراکز افزایش خواهد یافت. علاوه بر این رقابت در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی از موارد دیگری است که می‌تواند به تنش میان واحدهای سیاسی-اداری منجر شود (Deng and etal., 2019: 3).

شکل ۱. مدل رقابت‌های محلی و تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی-اداری



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲-۲. ابعاد تنش آمیز رقابت‌های محلی-ناحیه‌ای در ایران

در ایران رقابت‌های محلی میان قلمروهای سیاسی-اداری برای دستیابی به موقعیت‌ها و منابع ثروت و قدرت در سطوح مختلف تقسیماتی در بسیاری از موارد باعث ایجاد تنش‌ها و منازعه‌های مختلف به صورت پنهان و آشکار شده است. چنین رقابت‌هایی را می‌توان در قالب مؤلفه‌های زیر بررسی کرد.

۲-۲-۱. رقابت میان واحدهای تقسیماتی به منظور ارتقای سطح سیاسی

یکی از مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های رقابت‌های تنش‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری به منظور دستیابی به منابع و امکانات بیشتر، رقابت برای ارتقای سطح سیاسی است. بر این اساس رقابت‌های محلی و ناحیه‌ای میان قلمروهای سیاسی-اداری کشور زمینه‌ساز رشد فزاینده تقاضای ارتقای واحدهای سیاسی از ده به مرکز دهستان، مرکز دهستان به بخش و سپس به شهر، شهرستان و استان شده است؛ به نحوی که مطالبات مردمی و غیرمردمی برای ارتقای سطح سیاسی در تمام ایران به خواستی فراگیر و گسترده در همه سطوح تقسیمات کشوری تبدیل شده است. این مطالبات یکی از عوامل و زمینه‌های اصلی شکل‌گیری کانون‌های ناامنی و تنش‌های ناحیه‌ای و محلی است (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). درواقع نظام تقسیمات کشوری در ایران به گونه‌ای است که قلمروهای سیاسی-اداری و مراکز آنها به این نتیجه رسیده‌اند که به منظور رشد و توسعه، پیشرفت و دستیابی به منابع، خدمات و امکانات بیشتر لاجرم باید به سطح بالاتر تقسیماتی ارتقا یابند (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ۷۵). نتیجه چنین فرایندی تشدید اختلاف‌های محلی و در نتیجه تغییر و تحولات سریع و ناپایدار تقسیمات کشوری در قالب انتزاع، الحاق و تغییرات مرزی به منظور دستیابی به آستانه جمعیتی، تراکم و سایر ضوابط قانون تقسیمات کشوری بوده است (احمدی‌پور و رهنما، ۱۳۹۰: ۴۷). تشکیل ۲۷۲۵ دهستان، افزایش تعداد بخش‌ها از ۴۹۷ به ۱۱۶۲ بخش، شهرستان‌ها از ۱۹۰ به ۴۷۱ شهرستان و استان‌ها از ۲۴ به ۳۱ استان طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱ نشان‌دهنده افزایش بی‌قاعده ارتقای

سطوح تقسیماتی در دهه‌های اخیر است (دفتر تقسیمات کشوری، ۱۴۰۱). علاوه بر این، متأثر از تغییرات گسترده تقسیمات کشوری، طی سال‌های اخیر رقابت‌های تنش آمیز میان شهرهای رقیب در طرح‌های پیشنهادی تقسیمات کشوری در راستای ایجاد واحدهای تقسیماتی از جمله تشکیل استان جدید افزایش یافته است که از مهم‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به شرح جدول ذیل اشاره کرد:

جدول ۱. طرح‌های تشکیل استان جدید و مراکز رقیب جهت ایفای نقش مرکزیت استان احتمالی

ردیف	نام استان	طرح‌های تقسیماتی	مراکز و شهرهای رقیب
۱	فارس	فارس جنوبی، فارس غربی، قشقایی و لارستان	جهرم، داراب، کازرون، لار و فسا
۲	کرمان	سبزواران، کرمان جنوبی و سمنگان	جیرفت، بم، سیرجان و رفسنجان
۳	خراسان	خراسان غربی، خراسان مرکزی، خراسان شرقی، آساک و گلشن	سبزوار، نیشابور، تربت حیدریه، قوچان و طبس
۴	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان شمالی، سیستان و بلوچستان جنوبی و مکران	زابل، ایرانشهر و چابهار
۵	هرمزگان	خلیج فارس، هرمزگان غربی و هرمزگان شرقی	ابوموسی، جاسک و بندر لنگه
۶	اصفهان	اصفهان شمالی (گلساران) و اصفهان غربی	کاشان و گلپایگان
۷	خوزستان	خوزستان شمالی و خوزستان غربی	شوشتر، دزفول و آبادان
۸	تهران	تهران شرقی، تهران غربی، تهران جنوبی، آفتاب و خرداد	دماوند، شهریار، ری، پرند و ورامین
۹	آذربایجان شرقی	آذربایجان شمالی، ارسباران و سهند	اهر و مراغه
۱۰	آذربایجان غربی	آذربایجان مرزی و مکریان	خوی و بوکان
۱۱	مازندران	مازندران غربی	تنکابن، نوشهر و چالوس
۱۲	لرستان و همدان	زاگرس	بروجرد، نهاوند و ملایر
۱۳	سمنان	شاهوار	شاهرود

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

رقابت محلی میان مراکز شهرستان‌ها به‌خصوص شهرستان‌هایی که به فرمانداری ویژه ارتقا یافته‌اند، مهم‌ترین عامل ایجاد تنش و منازعه در صورت تشکیل واحد جدید تقسیماتی است. در بسیاری از استان‌های کشور به‌دلیل نقش مسلط مرکز استان طی دهه‌های تاریخی، ادعایی برای ایفای نقش مرکزیت وجود ندارد، اما در صورت تقسیم استان هریک از شهرهای شاخص با اتکا بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خود در زمینه‌های مختلف جغرافیایی، جمعیتی، تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، ارتباطی و ... خواستار ایفای نقش مرکزیت استان جدید هستند. از این‌رو رقابت به‌منظور ایفای نقش مرکزیت قلمروهای سیاسی-اداری یکی از مهم‌ترین عوامل رقابت‌های تنش‌آمیز میان شهرهای رقیب است که هریک مدعی صلاحیت بیشتر و توسعه نفوذ خود بر نواحی هم‌جوار هستند و در آینده در صورت اجرای هریک از طرح‌های تقسیماتی به‌عنوان یکی از منابع مهم تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی-اداری نقش‌آفرین خواهند بود.

علاوه بر موارد یادشده، در حال حاضر در برخی از استان‌ها رقابت بر سر مرکزیت استان در واحدهایی وجود دارد که در نظام شهری استانی و منطقه‌ای از وزن ژئوپلیتیکی تقریباً برابری برخوردارند. در اکثر استان‌های کشور با توجه به الگوی نخست شهری و تسلط یک شهر در ابعاد مختلف بر دیگر شهرها، ادعایی برای مرکزیت این واحدها وجود ندارد، اما در برخی استان‌های کشور فاصله میان مرکز استان و دومین شهر بزرگ بسیار کم بوده و همین امر سبب بروز رقابت‌های تنش‌آمیز میان مراکز استان‌ها و شهرهای دیگر شده است. در حال حاضر خرم‌آباد، ساری، یاسوج، بوشهر و سمنان مراکز استان‌هایی هستند که کمتر از میزان الگوی رتبه-اندازه بر شهرهای دیگر استان برتری جمعیت دارند؛ به‌گونه‌ای که نسبت جمعیت خرم‌آباد به شهر دوم لرستان (بروجرد) $1/45$ برابر و ساری به شهرهای دوم (بابل) و سوم (آمل) مازندران $1/3$ برابر است. یاسوج به شهر دوم و سوم استان کهگیلویه و بویراحمد، به‌ترتیب $1/2$ و $1/96$ است. سمنان هرچند در سالیان گذشته جمعیت آن کمتر از شاهرود بوده اما در آخرین

سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت آن از شاهرود بیشتر شد. با این وجود جمعیت شهرستان سمنان همچنان کمتر از شهرستان شاهرود است (امیرانتخابی و کریمی حصاری، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۳). در چنین شرایطی شاهرودی‌ها طی سال‌های اخیر درصدد تشکیل استان جدیدی موسوم به «شاهوار» هستند تا بدین‌ترتیب از تابعیت سیاسی-اداری سمنان خارج شوند.

۲-۲-۲. رقابت در بهره‌برداری از منابع جغرافیایی و بهره‌مندی از طرح‌های توسعه‌ای

رقابت به‌منظور بهره‌برداری از منابع جغرافیایی به‌خصوص در مورد منابع مرزی مشترک از عوامل مهم تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی-اداری طی دهه‌های اخیر بوده است. در حال حاضر عمده رقابت‌های تنش‌آمیز میان این قلمروها در سطح کشور بر سر منابع آب است. درهم‌تنیدگی پدیده‌هایی مانند گرمایش زمین، دگرگونی الگوی بارش، ناکارآمدی مدیریت منابع، رویکرد کمی‌محور به توسعه، کاهش بارندگی و افت سطح آب‌های زیرزمینی و حفر بی‌رویه چاه‌های غیرمجاز در چند دهه اخیر، به بحرانی شدن وضعیت منابع آب کشور انجامیده است (کرمی، ۱۳۹۹: ۳۱). چنین روندی به گسترش رقابت‌های هیدروپلیتیکی محلی و ناحیه‌ای برای دستیابی بیشتر به این منبع حیاتی منجر شده است. با توجه به عدم تطابق مرزهای سیاسی-اداری با حوضه‌های آبریز کشور و همچنین عبور جریان‌های آبی ازجمله رودخانه‌ها از میان قلمروهای سیاسی-اداری مختلف، در حال حاضر در تمام مناطق کشور رقابت‌های هیدروپلیتیکی به‌منظور بهره‌برداری از این منابع میان قلمروهای بالادستی و پایین‌دستی وجود دارد. از مهم‌ترین تنش‌ها و منازعه‌های هیدروپلیتیکی میان قلمروهای سیاسی-اداری طی سال‌های اخیر می‌توان در جدول ۲ اشاره کرد.

جدول ۲. تنش‌های هیدروپلیتیکی میان قلمروهای سیاسی-اداری کشور

ردیف	منطقه تنش	موضوع تنش
۱	لرستان	تنش‌های ناشی از انتقال آب شهرستان الیگودرز استان لرستان به قم
۲	شمال غرب کشور	اختلاف‌ها و تنش‌های مربوط به حقابه رود ارس میان استان اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی
۳	کرمان	اعتراض مردم جنوب استان کرمان به انتقال آب از رودخانه هلیل‌رود به مناطق مرکزی استان
۴	البرز	تنش‌های ناشی از طرح تونل انتقال آب رودخانه کرج به تهران
۵	کهگیلویه و بویراحمد	تنش‌های ناشی از انتقال آب سد تنگ بشار استان کهگیلویه و بویراحمد به استان‌های هم‌جوار
۶	خوزستان	تنش‌ها و منازعه انتقال آب رودخانه کارون و کرخه استان خوزستان به استان‌های هم‌جوار
۷	کردستان	اعتراض به انتقال آب سد آزاد و سد تالوار استان کردستان به همدان
۸	خوزستان	اختلاف‌ها و تنش‌های استان خوزستان و ایلام در مورد حقابه سد کرخه
۹	اصفهان	منازعه انتقال آب از زاینده‌رود از استان اصفهان به یزد
۱۰	فارس	تنش‌ها و منازعه‌های آبی بر سر انتقال آب از کازرون فارس به دشتستان بوشهر و احداث سد نرگسی بر رودخانه دالکی
۱۱	سمنان	اعتراض مردم گرمسار، آرادان و ایوانکی استان سمنان نسبت به کاهش حقابه آب رودخانه حله‌رود و سد نم‌رود در بالادست (استان مازندران)
۱۲	چهارمحال و بختیاری	اعتراض به انتقال آب استان چهارمحال و بختیاری به فلات مرکزی و استان‌های اصفهان، یزد و کرمان (تونل کوهرنگ، طرح بهشت‌آباد، آب گلاب و ...)
۱۳	آذربایجان غربی	تنش‌ها و رقابت‌های شهرستان‌های آذربایجان غربی نسبت به دریافت حقابه آب کشاورزی و آب دریاچه ارومیه
۱۴	اردبیل	اعتراض اهالی شهرستان‌های خلخال و کوثر استان اردبیل به انتقال آب رودخانه قزل‌اوزن به اردبیل
۱۵	خراسان شمالی	اعتراض‌ها و تنش‌ها نسبت به طرح انتقال آب هزار مسجد به دشت مشهد در استان خراسان شمالی
۱۶	گلستان	تنش‌های ناشی از انتقال آب چشمه‌های قطری شهرستان علی‌آباد کتول استان گلستان به سمنان

مأخذ: همان.

نمونه‌های ذکر شده تنها بخشی از هزاران اختلاف و تنش آبی میان قلمروهای سیاسی-اداری تقسیمات کشوری تا پایین‌ترین سطح تقسیمات کشوری در دهستان‌ها و روستاها است. درواقع کمتر منبع آبی مشترکی در میان قلمروهای سیاسی-اداری کشور پیدا می‌شود که بر سر بهره‌برداری از آن رقابت و مشاجره وجود نداشته باشد. علاوه بر منابع مشترک آبی، یکی از مناقشه‌برانگیزترین رقابت‌های تنش آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری کشور در مقیاس بزرگ‌تر، طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای است. انتقال آب بین حوضه‌ای فرایند برداشت فیزیکی منابع آب از طریق روش‌هایی مانند حفر تونل، کانال یا لوله است که با هدف جابه‌جایی آب از نواحی با توان هیدرولوژیکی خوب (حوضه مبدأ) به نواحی خشک و کم‌آب (حوضه مقصد) انجام می‌گیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

مهم‌ترین طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای در کشور به شرح جدول زیر است.

جدول ۳. مهم‌ترین طرح‌های بهره‌برداری شده و در حال اجرای انتقال آب بین حوضه‌ای در کشور

عنوان طرح	استان مبدأ	استان مقصد	حوضه آبریز مبدأ	حوضه آبریز مقصد
تونل دشت عباس	خوزستان	ایلام	کرخه	مرزی غرب
طرح غدیر	خوزستان	خوزستان	کارون بزرگ	کرخه
تونل کوهرنگ	چهارمحال و بختیاری	اصفهان	کارون بزرگ	گاوخونی
تونل چشمه لنگان و خدنگستان	اصفهان	اصفهان	کارون بزرگ	گاوخونی
انتقال آب دز به قمرود	لرستان	قم، اصفهان، مرکزی	کارون بزرگ	دریاچه نمک
سد کمال صالح	مرکزی	مرکزی	کارون بزرگ	دریاچه نمک
سد سلیمان شاه	کرمانشاه	کرمانشاه	مرزی غرب	کرخه
سد گاوشان	کردستان	کرمانشاه - کردستان	مرزی غرب	کرخه
طرح بهشت‌آباد	چهارمحال و بختیاری	اصفهان - یزد و کرمان	کارون بزرگ	گاوخونی، کویر در انجیر، کویر سیاهکوه و ریگ زرین
انتقال آب از سد ژاوه به قروه و دهگلان	کردستان	کردستان	مرزی غرب	سفیدرود
انتقال آب از سد آزاد به سد قوچم	کردستان	کردستان	مرزی غرب	سفیدرود بزرگ
انتقال آب از سد کوثر (خط محرم)	کهگیلویه و بویراحمد	فارس، بوشهر، هرمزگان	زهره - جراحی	حله رود - مند، کاریان و خنج - کل، مهران
انتقال آب از سد چمشیر	کهگیلویه و بویراحمد	بوشهر	زهره - جراحی	حله رود و رودخانه‌های کوچک
سد لار	مازندران	تهران	هراز - قره‌سو	دریاچه نمک
انتقال آب چشمه روزبه	سمنان	سمنان	هراز - قره‌سو	کویر مرکزی

عنوان طرح	استان مبدأ	استان مقصد	حوضه آبریز مبدأ	حوزه آبریز مقصد
انتقال آب چشمه‌های قطری	گلستان	سمنان	قره‌سو و گرگان	کویر مرکزی
سد طالقان	البرز	تهران - البرز، قزوین	سفیدرود بزرگ	دریاچه نمک
انتقال آب از سد تالوار به همدان	کردستان	همدان	سفیدرود بزرگ	دریاچه نمک
انتقال آب زاینده‌رود به کاشان	اصفهان	اصفهان	گاوخونی	دریاچه نمک
انتقال آب زاینده‌رود به یزد	اصفهان	یزد	گاوخونی	کویر سیاه‌کوه - ریگ زرین
طرح بن - بروجن	اصفهان	چهارمحال و بختیاری	گاوخونی	کارون بزرگ
طرح انتقال آب از سد صفا به کرمان	کرمان	کرمان	هامون - جازموریان	کویر در انجیر
کانال چالوس	مازندران	مازندران	رودخانه‌های بین سفیدرود و هراز	هراز - قره‌سو
طرح انتقال آب ارس به تبریز	آذربایجان شرقی	آذربایجان شرقی	ارس	دریاچه ارومیه
آبرسانی به گناباد از دشت گیسور	خراسان رضوی	خراسان رضوی	پترگان خواف	کویر مرکزی

مأخذ: میرنظامی، ۱۳۹۸: ۶.

یکی از مهم‌ترین مناطق تنش چنین طرح‌هایی در کشور، انتقال آب از حوضه‌های بالادستی در استان‌های جنوب غربی کشور از جمله چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان به حوضه پایین‌دستی فلات مرکزی در استان‌های اصفهان، یزد و کرمان در قالب پروژه‌هایی مانند بهشت‌آباد، تونل کوه‌رنگ، تونل گلاب و ... است که تنش‌ها و منازعه‌های آن طی سال‌های اخیر به اوج خود رسیده و تاکنون اعتراض‌ها و تجمعات مختلفی در این زمینه برگزار شده است (بدیعی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۶؛ احمدی و عظیمی، ۱۳۹۷: ۲۶۳-۲۶۲). در این راستا طی سال‌های اخیر با انتقال منابع آبی استان خوزستان و در نتیجه کاهش منابع این استان و خشک شدن جریان‌های آبی آن، اعتراض‌های شدیدی شکل گرفته است؛ طوری که در تابستان سال ۱۴۰۰ در استان خوزستان و شهرهای مختلف این استان از جمله اهواز، هویزه، شادگان، حمیدیه، آبادان، خرمشهر، بستان، سوسنگرد، دزفول و ایذه سلسله اعتراض‌هایی در واکنش به کمبود آب، خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه‌های کوچک و سدسازی متعدد روی رودخانه‌های استان و انتقال آب آن به مناطق دیگر رخ داد. این اعتراض‌ها به تدریج گسترش یافت و به منازعه‌های خشونت‌آمیز امنیتی

تبدیل شد (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰/۴/۲۵؛ خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰/۴/۲۶).

علاوه بر تنش‌های ذکر شده در مناطق مبدأ انتقال آب، در مناطق مقصد دریافت آب نیز میان قلمروهای سیاسی-اداری رقابت‌های تنش‌آمیزی شکل گرفته است. در این خصوص می‌توان به شهرستان طبس در غرب استان خراسان جنوبی اشاره کرد که مسئولان آن طی سال‌های اخیر خواستار بهره‌مندی از پروژه انتقال آب استان خوزستان به فلات مرکزی بوده‌اند (پایگاه خبری تابناک، ۱۳۹۵/۳/۲۳).

انتقال آب دریا به مناطق داخلی کشور از دیگر طرح‌هایی است که می‌تواند باعث شکل‌گیری رقابت‌های تنش‌آمیز شود. با توجه به تشدید خشکسالی‌ها طی دهه‌های اخیر و کاهش منابع آب زیرزمینی و جاری در کشور، پروژه انتقال آب از پهنه‌های آبی آزاد مانند خلیج فارس و دریای عمان به نواحی داخلی کشور در دستور کار مسئولان و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. در این زمینه طی سال‌های اخیر پروژه‌های مختلفی در جنوب کشور برای انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، کرمان، هرمزگان، یزد، اصفهان، فارس و بوشهر طراحی و اجرا شده است. به‌نظر می‌رسد در این زمینه استان‌های اصفهان و یزد نسبت به سایر استان‌های مجاور دریا از اولویت بیشتری در انتقال آب برخوردار بوده‌اند (میرنظامی، ۱۳۹۸: ۱۰).

به این ترتیب با کاهش منابع آبی در سطح استان‌های کشور و پیامدهای تنش‌آمیز آن از جمله بروز مشکلات در تأمین آب شرب سکونتگاه‌های شهری و روستایی و مراکز صنعتی، افت سطح آب‌های زیرزمینی و تهدید مزارع کشاورزی، خشک شدن پهنه‌های آبی مانند دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و گسترش تنش‌های آبی میان قلمروهای سیاسی-اداری، نیاز به انتقال منابع آب جایگزین از حوضه‌های دریایی به شدت احساس می‌شود. انتقال آب دریا به نواحی داخلی به صرف هزینه‌های زیاد و سرمایه‌گذاری‌های گسترده نیاز است. امری که می‌تواند رقابت میان استان‌های کشور را در آینده برای اولویت قرار گرفتن در پروژه‌های انتقال آب افزایش دهد و همین امر زمینه را برای تنش‌ها و منازعه‌های احتمالی آنها فراهم کند. همچنین عبور خطوط لوله انتقال آب

دریا از قلمروهای سیاسی مختلف به خصوص استان‌هایی که در مسیر انتقال آب به نواحی مرکزی قرار دارند، چالش‌های امنیتی خطوط انتقال آب را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر در صورت احساس تبعیض از سوی ساکنان واحدهای سیاسی-اداری می‌تواند خطوط لوله انتقال آب را در قلمروهای سیاسی-اداری با تهدیدهایی مانند تخریب آنها از سوی گروه‌های ناراضی مواجه سازد.

علاوه بر منابع آب، رقابت‌های میان قلمروهای سیاسی-اداری به منظور بهره‌برداری از منابع معدنی مشترک نیز طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. از مهم‌ترین رقابت‌ها و اختلاف‌های تنش‌آمیز در این زمینه می‌توان به اختلاف‌های معدنی بافق-بهباد در استان یزد (پایگاه خبری عصر بافق، ۱۴۰۱/۱/۲۹)، رقابت‌ها و اختلاف‌های مرزی معدنی میان استان‌های یزد-فارس (در منطقه بوانات) و کرمان-فارس در منطقه نی‌ریز (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰/۲/۷؛ خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴/۶/۱۶)، رقابت‌های تنش‌آمیز میان سه شهرستان لامرد و مهر در استان فارس و پارسیان هرمزگان بر سر میدان گازی تابناک (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۵/۱۰/۲) اشاره کرد.

رقابت‌های قلمروهای سیاسی-اداری به منظور دریافت امتیاز احداث و بهره‌برداری از طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای از دیگر عوامل تنش و منازعه است. اعتراض‌ها نسبت به انتقال پروژه پتروشیمی از رفسنجان به کرمان (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱۱/۱۰)، اعتراض‌ها نسبت به انتقال صنایع پتروشیمی استان فارس به بوشهر (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸)، اعتراض‌ها نسبت به انتقال پتروشیمی لرستان به اراک (پایگاه خبری یافته نیوز، ۱۳۹۳/۸/۲)، تنش‌ها پیرامون انتقال پتروشیمی الوند از همدان به شازند اراک (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹/۱۱/۱۴)، اختلاف‌ها و رقابت‌های تنش‌آمیز بر سر پتروشیمی واقع بین ماهشهر و سربندر در استان خوزستان (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۸/۹/۱۶) در این راستا قابل طرح است. همچنین در سطح قلمروهای سیاسی-اداری نیز رقابت‌ها پیرامون دریافت سهم بیشتر از عوارض آلاینده‌گی کارخانجات و بهره‌مندی بیشتر از منافع طرح‌ها از جمله موضوع‌های تنش‌آمیز پروژه‌های عمرانی و زیرساختی به‌شمار می‌رود.

۲-۳. سیاستگذاری‌های مدیریت رقابت‌های تنش آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری

با توجه به اینکه تقسیمات کشوری بستر مدیریت سیاسی فضای کشور را فراهم می‌کند، از این رو می‌تواند تأثیر مهمی در مدیریت تنش‌ها و منازعه‌ها میان قلمروهای سیاسی-اداری داشته باشد. مدیریت رقابت‌های تنش آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری ابتدا مستلزم شناخت منابع و عوامل ایجاد تنش و منازعه میان واحدهای تقسیماتی و سپس ارائه روش‌ها و رویکردهایی جهت مدیریت و کاهش عوامل و منابع ایجاد تنش و منازعه است. از این رو با توجه به یافته‌های مطالعات پیشین، نظر کارشناسان و تجارب مدیریتی و اجرایی نگارندگان، سیاستگذاری‌های مدیریت تنش را می‌توان به شرح جدول ذیل پیشنهاد کرد:

جدول ۴. مؤلفه‌های رقابت‌های تنش آمیز و راهبردها و سیاستگذاری‌های مدیریت آن

مؤلفه تنش	مصادیق و موضوع‌های تنش	راهبردها و سیاستگذاری‌های مدیریت تنش
رقابت‌های محلی	رقابت میان قلمروهای سیاسی-اداری برای ارتقای سطح سیاسی	- اصلاح ساختار تخصیص بودجه مطابق با اصول آمایش و ظرفیت‌های مناطق به نحوی که این امر وابسته به ارتقای سطوح سیاسی (ارتقا از روستا به شهر، دهستان به بخش، بخش به شهرستان، شهرستان به استان) نباشد. - اصلاح قوانین تقسیمات کشوری و کیفی‌سازی شاخص‌های ارتقای سیاسی واحدها به جای شاخص‌های کمی و جلوگیری از ناپایداری تقسیمات سیاسی-اداری. - ایجاد سازوکار برد-برد در زمینه منافع متعارض محلی میان قلمروهای سیاسی-اداری از طریق تقسیم عادلانه منابع مشترک. - تدوین قوانینی یکپارچه درخصوص تعیین رژیم حقوقی بهره‌برداری از منابع مشترک میان قلمروهای سیاسی-اداری. - اجرای طرح‌های کلان براساس منابع و ظرفیت‌های مشترک سرمایه‌گذاری میان قلمروهای سیاسی-اداری و مشارکت متوازن آنها. - ارائه امتیازات جایگزین به قلمروهای سیاسی-اداری در زمینه اجرای طرح‌هایی که ممکن است منافع قلمرو آنها مورد لطمه قرار گیرد. - توسعه مناسبات و همگرایی میان قلمروهای سیاسی-اداری از طریق شناسایی ظرفیت‌های همکاری و پیوندهای فرهنگی و اقتصادی مشترک. - توانمندسازی و آموزش مردم محلی در زمینه تعامل و همکاری در زمینه منابع مشترک با سایر قلمروها.

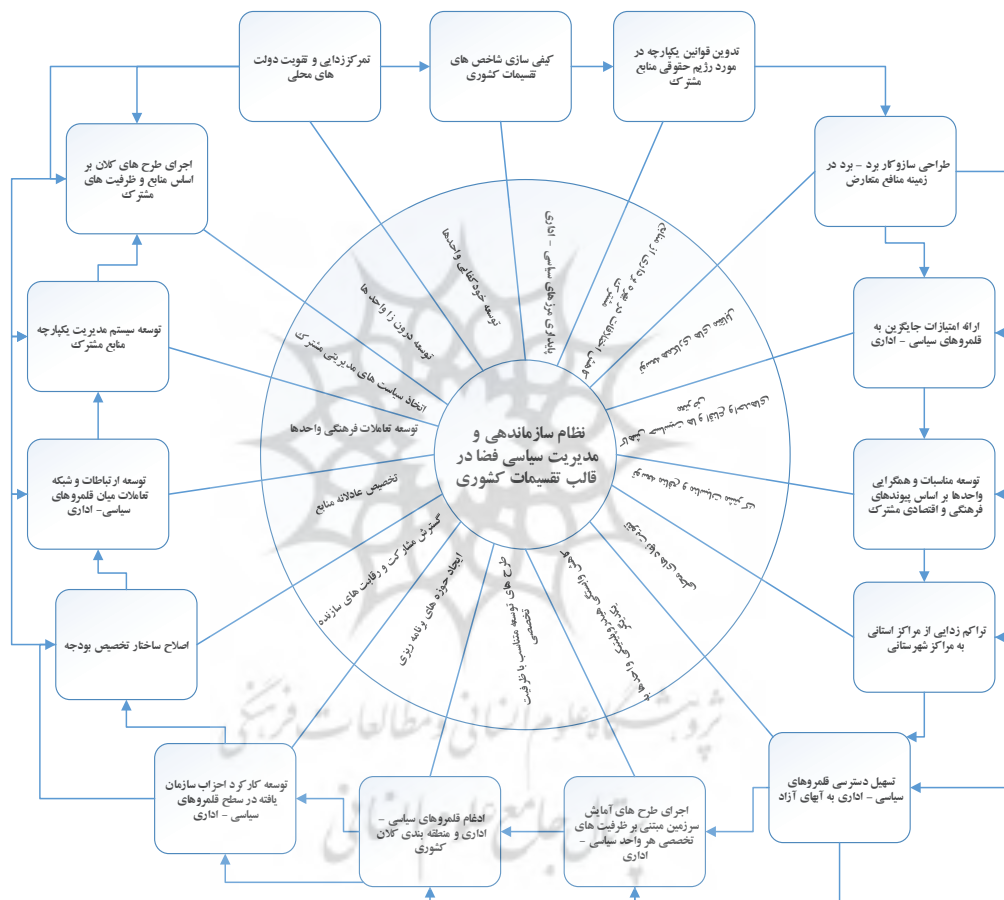
مؤلفه تنش	مصادیق و موضوع‌های تنش	راهبردها و سیاستگذاری‌های مدیریت تنش
رقابت‌های محلی	رقابت میان قلمروهای سیاسی - اداری برای ارتقای سطح سیاسی	• توسعه سیستم مدیریت یکپارچه منابع مشترک طبیعی میان قلمروهای سیاسی-اداری مجاور یکدیگر. • گسترش پیوندها و ارتباطات مؤثر میان شبکه‌های قدرت رسمی (مدیران دولتی) و غیررسمی (نخبگان و منتقدان محلی) میان قلمروهای سیاسی-اداری • توسعه کارکرد احزاب سازمان‌یافته در سطح قلمروهای سیاسی-اداری در راستای تغییر الگوی رأی‌دهی از بوم‌محوری به اندیشه‌محوری در سطوح محلی. • تراکم‌زدایی اداری از مراکز استان‌ها به مراکز شهرستانی شاخص. • طراحی مکانیسمی معکوس در نظام تقسیمات کشوری مبتنی بر ادغام قلمروهای سیاسی-اداری مانند منطقه‌بندی کلان کشوری با ادغام استان‌ها و با حفظ هویت سیاسی-اداری آنها. • اجرای طرح‌های آمایشی در سطح قلمروهای سیاسی-اداری و اجرای طرح‌های توسعه مبتنی بر ظرفیت‌های تخصصی آنها بدون نیاز به انتقال منابع زیستی سایر واحدها. • تمرکززدایی و تقویت نهادهای اداره‌کننده قلمروهای سیاسی-اداری به‌منظور توسعه درون‌زا و خودکفایی نسبی آنها.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

با توجه به رویکردهای ذکر شده در جدول فوق می‌توان گفت الگوی مدیریت رقابت‌های تنش‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری نیازمند به‌کارگیری اصلاحات و تغییراتی در شیوه مدیریت سیاسی فضا در دو سطح ملی و ناحیه‌ای-محلی است. الگوی مدیریت تنش‌ها و منازعه‌های قلمروهای سیاسی-اداری را می‌توان مبتنی بر ارتباط سیستماتیک راهبردها و سیاست‌های کاهش تنش ترسیم کرد. براساس این الگو سیاستگذاری‌های به‌کار گرفته شده در شیوه مدیریت و سازمان‌دهی سیاسی فضا در چارچوب تقسیمات کشوری باعث پیامدهای مثبتی مانند گسترش منافع مشترک و همکاری‌های متقابل، خودکفایی واحدها و کاهش وابستگی آنها به منابع زیستی یکدیگر، کاهش اختلاف‌ها در بهره‌برداری از منابع مشترک، تخصیص عادلانه منابع، توسعه درون‌زا واحدها، گسترش مرادوات و همگرایی‌های فرهنگی، پایداری مرزهای تقسیمات کشوری و ... خواهد شد که درنهایت این امر

سبب همگرایی میان قلمروهای سیاسی-اداری و در نتیجه کاهش یا رفع تنش‌های منفی رقابتی میان قلمروهای سیاسی-اداری خواهد شد.

شکل ۲. الگوی مدیریت رقابت‌های تنش‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رشد رقابت‌های تنش‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری کشور نشان‌دهنده توسعه منافع متعارض میان آنها است. در این راستا الگوی مدیریت و سازماندهی سیاسی

فضا در چارچوب تقسیمات کشوری می‌تواند با ایجاد همگرایی یا واگرایی میان واحدها نقش مهمی در تشدید یا کاهش و همچنین جنبه‌های مثبت یا منفی رقابت‌ها ایفا کند. با توجه به الگوی سازمان‌دهی و مدیریت سیاسی فضا در ایران و وابسته کردن فرایند توسعه به ارتقای سطوح سیاسی طی دهه‌های اخیر، رقابت‌های منفی محلی و ناحیه‌ای میان واحدها برای ارتقا به سطوح بالاتر گسترش یافته و از این‌رو عناصر و سطوح تقسیماتی از سطح روستاها تا شهرستان‌ها در پی ارتقای سطح سیاسی است. چنین روندی ضمن فراهم‌سازی زمینه رشد رقابت‌های تنش‌آمیز به ناپایداری مرزهای سیاسی-اداری و قطعه‌قطعه شدن واحدهای تقسیماتی منجر شده است. از سوی دیگر با توجه به افزایش جمعیت و کاهش منابع زیستی از جمله منابع آب، طی سال‌های اخیر رقابت‌های تنش‌آمیز میان قلمروهای سیاسی-اداری کشور به منظور تسلط و بهره‌برداری بیشتر از منابع آبی گسترش یافته و در برخی موارد حتی به بروز منازعه‌های امنیتی شده است. اجرای راهبرد انتقال آب بین‌حوضه‌ای میان قلمروهای سیاسی-اداری بالادستی و پایین‌دستی نیز بر شدت این منازعه‌ها افزوده است. بنابراین با توجه به تبعات و پیامدهای منفی شرایط یادشده در جنبه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ... اتخاذ تدابیری به منظور کنترل، کاهش یا حذف رقابت‌های تنش‌آمیز منفی ضروری است. الگوی مدیریت رقابت‌های تنش‌آمیز برپایه کاهش یا حذف عوامل ایجاد تنش و اتخاذ سیاست‌گذاری‌هایی به منظور ایجاد منافع مشترک، توسعه تعاملات و همگرایی میان قلمروهای سیاسی-اداری است. در این صورت نظام تقسیمات کشوری مبتنی بر مؤلفه‌هایی مانند توزیع عادلانه منابع، اصلاح تخصیص بودجه براساس ظرفیت‌ها، تقویت واحدهای محلی و توسعه درون‌زای آنها، توسعه مراودات فرهنگی و اقتصادی میان قلمروها، توسعه هر قلمرو مبتنی بر ظرفیت تخصصی آنها، توزیع متناسب قدرت، توسعه متوازن میان قلمروها، حفاظت از بنیادهای زیست‌محیطی و ... به توسعه منافع مشترک و همگرایی میان قلمروهای سیاسی-اداری منجر می‌شود و از این‌رو تنش‌ها و منازعه‌های احتمالی را به حداقل می‌رساند.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، عباس و احمدرضا عظیمی (۱۳۹۷). «جغرافیای رقابت بر سر منابع آب و خاک (مطالعه موردی: رقابت بر سر منابع آب استان چهارمحال و بختیاری و قاچاق خاک‌های مرغوب ایران)»، فصلنامه کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، سال ششم، ش ۲.
۲. احمدی، عباس و همکاران (۱۳۹۷). «تبیین نظری بسترهای شکل‌گیری رقابت‌های ژئوپلیتیکی»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۰، ش ۱.
۳. احمدی‌پور، زهرا و حسن جعفرزاده (۱۳۹۳). «تحلیل کارکردی تقسیمات کشوری در اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین با تأکید بر ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ش ۱۴.
۴. احمدی‌پور، زهرا و محمدرحیم رهنما (۱۳۹۰). «نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی مورد مطالعه: ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ش ۷۰.
۵. احمدی‌پور، زهرا و یحیی میرشکاران (۱۳۸۶). «نقش جغرافیای قدرت و حمایت در شکل‌گیری مرزهای جدید تقسیماتی پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه مدرس، دوره سیزدهم، ش ۱.
۶. اعظمی، هادی و علی‌اکبر دبیری (۱۳۹۰). «تحلیل عناصر تهدید سیاسی-امنیتی در نظام تقسیمات کشوری ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ش ۷۴.
۷. امیر انتخابی، شهرام و آذر کریمی حصاری (۱۳۸۸). «پدیده نخست شهری و الگوی نظام شهری ایران»، فصلنامه مدیریت مطالعات شهری، ش ۱.
۸. بدیعی، مرجان و همکاران (۱۴۰۱). «امنیتی شدن آب‌های داخلی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی، سال هفتم، ش ۲۸.
۹. برک‌پور، ناصر و سیامک مسعودی (۱۳۹۸). «بررسی سیاست اصلاحات قلمروهای مدیریت محلی در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۸۴.
۱۰. پایگاه خبری تابناک (۱۳۹۵/۳/۲۳). «طبس؛ مقصد جدید آب رود کارون خوزستان»، <https://www.tabnak.ir/fa/news/596794>
۱۱. پایگاه خبری عصر بافق (۱۴۰۱/۱/۲۹). «نامه شورای اسلامی شهر و شهرستان بافق در خصوص اختلافات مرزی بافق با بهاباد»، <http://asrebafgh.ir/?p=53120>
۱۲. پایگاه خبری یافته نیوز (۱۳۹۳/۸/۲). «واکاوی واقعه تلخ انتقال پتروشیمی لرستان به اراک»، <http://yaftenews.ir/notes/social/6244-petroshimi.html>
۱۳. پورموسوی، موسی و همکاران (۱۳۸۷). «سازمان‌دهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۴، ش ۱۳.

۱۴. جان پرور، محسن و آرش قربانی سپهر (۱۴۰۰). «تبیین فلسفی-مفهومی ژئوپلیتیک شهری»، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۹، ش ۶۸.
۱۵. جعفرزاده، حسن و همکاران (۱۴۰۰). «تبیین الگوی عوامل و منابع تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی-اداری»، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۴، ش ۱.
۱۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مبانی ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات پاپلی.
۱۷. حافظ‌نیا، محمدرضا و محمدرضا نیکبخت (۱۳۸۱). «آب و تنش‌های اجتماعی-سیاسی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۶۵.
۱۸. خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۴/۶/۱۶). اخبار منتشره پیرامون «تعرض یزدی‌ها به خاک بوانات فارس»، <https://www.irna.ir/news/81751250>
۱۹. خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۸/۹/۱۶). «روایت ماهشهری‌ها از حوادث اخیر در این منطقه»، <https://www.isna.ir/news/98091611402>
۲۰. _____ (۱۳۹۵/۱۰/۲). «پارسیان هیچ سهمی در درآمدهای نفتی و گازی ندارد»، <https://www.isna.ir/news/khalijefars-36432>
۲۱. خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۰/۴/۲۶). «مرگ جوان شادگانی در جریان اعتراضات به تنش آبی»، <https://www.isna.ir/news/1400042618373>
۲۲. خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۰/۲/۷). «ماجرای واگذاری ۵۵ هزار هکتار از اراضی معدنی استان فارس به کرمان چه بود؟»، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/02/07/2492172>
۲۳. _____ (۱۳۹۹/۱۱/۱۴). «ماجرای ادامه‌دار انتقال پتروشیمی الوند از همدان به شازند»، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/11/14/2443237>
۲۴. خبرگزاری فارس (۱۳۹۲/۱۱/۱۰). «اعتراض نماینده رفسنجان به انتقال پتروشیمی از رفسنجان به کرمان»، <https://www.farsnews.ir/news/13921110000711>
۲۵. _____ (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). «صنایع پتروشیمی استان فارس نباید به عسویه منتقل شود»، <https://www.farsnews.ir/my/c/7737>
۲۶. _____ (۱۴۰۰/۴/۲۵). «اعتراض مردم چند شهر خوزستان به کمبود آب شرب و کشاورزی»، <https://www.farsnews.ir/khuzestan/news/14000425000013>
۲۷. دفتر تقسیمات کشوری (۱۴۰۱). «فهرست عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری»، وزارت کشور.
۲۸. ذکی، یاشار و مصطفی رشیدی (۱۳۹۵). «سیاست آب در حوضه آبریز کارون بزرگ و چالش‌های

- هیدروپلیتیکی ناشی از آن»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال هشتم، ش ۴.
۲۹. رشیدی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی ژئوپلیتیکی تقسیمات کشوری ایران از منظر آمایش سرزمین»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ش ۳.
۳۰. ریاحی، وحید و همکاران (۱۳۹۹). «عوامل مؤثر بر ناکارآمدی نظام تقسیمات کشوری در سطح محلی (مورد مطالعه: شهرستان ارومیه)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش ۵۹.
۳۱. زرقانی، سیدهادی و مرتضی رضوی‌نژاد (۱۳۹۲). «تحلیل نقش متغیر همسایگی در الگوی رأی‌کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۷، ش ۳.
۳۲. صادقی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۵). «تجارب و پیامدهای انتقال آب بین‌حوضه‌ای در جهان»، فصلنامه تحقیقات منابع آب ایران، سال دوازدهم، ش ۲.
۳۳. عزیزی، محمدمهدی و سیما یارمحمدی (۱۳۹۳). «تأثیر تقسیمات کشوری جدید بر پراکنده‌رویی شهری»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۹، ش ۲.
۳۴. غلامی، بهادر (۱۳۹۲). نقد و ارزیابی قانون تقسیمات کشوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۴۴۶.
۳۵. کاظمی‌نیا، حسن و همکاران (۱۴۰۰). «آسیب‌شناسی وضع موجود تقسیمات کشوری در ایران با نگاه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، فصلنامه تغییرات اجتماعی-فرهنگی، سال هجدهم، ش ۶۸.
۳۶. کاویانی راد، مراد (۱۳۸۶). «جغرافیای انتخابات»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۰، ش ۳.
۳۷. کرمی، صادق (۱۳۹۹). «بازکاوی پیامدها و شیوه‌های مدیریت تغییرات اقلیمی»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، ش ۵۹.
۳۸. کریمی‌پور، یداله و حمیدرضا محمدی (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری ایران، تهران، نشر انتخاب.
۳۹. گل‌کرمی، عابد و مراد کاویانی راد (۱۳۹۴). «تأثیر محدودیت منابع آب بر تنش‌های هیدروپلیتیک»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ش ۶۵.
۴۰. مولایی، آیت و مسعود احمدی (۱۴۰۰). «امکان‌سنجی الگوی مطلوب حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰، ش ۳۴.
۴۱. میرنظامی، جلال‌الدین (۱۳۹۸). «انتقال آب بین‌حوضه‌ای و انتقال آب از دریا ۲. ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۶۸۰۹.

- Research and Public Health*, Vol. 16 (2).
43. FAO (2011). "The State of the World's Land and Water Resources for Food and Agriculture", The Food and Agriculture Organization.
44. Flint, Colin (2006). *Introduction to Geopolitics*, London, Rutledge.
45. Schellenberg, James and Donald P. Irish (2014). "Conflict Between Communities", Published by: *Professors World Peace Academy*.
46. Subra, Philippe (2012). "Geopolitics: A Unique or Multidimensional Concept? Place, Issues and Tools of Local Geopolitics", *Hérodote*, No. 146-147, La Découverte.
47. Suraji, Suraji (2018). "Administrative Region Proliferation and a Conflict of Interests on Public Bureaucracy Distribution in Indonesia", Annual International Conference of Business and Public Administration.
48. Tanle, Augustine (2016). "Decentralization and Conflicts: A Case Study of the Kassena-Nankana West District of Ghana", *Ghana Journal of Geography*, Vol. 8 (2).
49. Wilk, Waldemar (2004). "The Effect of Changes in Administrative Division on the Economic Position of the Largest Cities in Poland", *Miscellanea Geographical*, Vol. 11 (1).
50. Yi, Juling and Jingling Li (2022). "The Influence of Local Government Competition on Residents' Perceptions of Social Fairness—evidence from China", *Quarterly of Frontiers in Psychology*, Vol. 13.